

مروری بر ماهیت و باورهای جوامع امروز اروپا

تقریباً در تمامی کشورها، زندگی مشترک زن و مرد پیش از ازدواج شیوع یافته است. با وجود این در جنوب، نهاد ازدواج هنوز پایه اصلی زندگی مشترک زن و مرد است، در حالی که در شمال، روابط زن و مرد بسیار آزادتر و بر مبنای موافقت طرفین است.

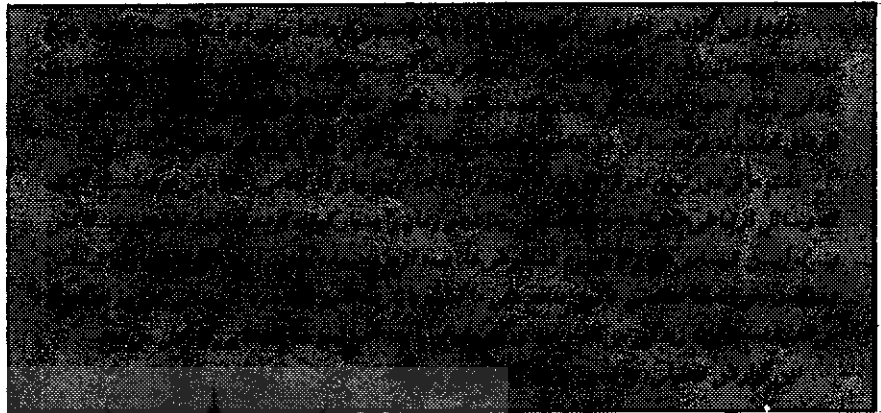
در مورد زندگی زن و مرد تفاوت جالب توجهی میان کشورهای شمال و جنوب اروپا موجود است. مردم شمال اروپا که اکثراً، و به طور روشن و واضح موافق زندگی مشترک زن و مرد (قبل از ازدواج و یا حتی بدون ازدواج) هستند، در مورد وفاداری زوجین بسیار سختگیرند تا مردم جنوب اروپا که کمتر به زندگی مشترک قبل از ازدواج تن در می دهند، اما در مورد وفاداری زوجین بیشتر سهل انگارند.

در مورد سن ازدواج هم که به طور کلی در تمامی کشورهای اروپا بالا رفته است، تفاوت هایی میان شمال و جنوب موجود است. مثلاً زندگی مشترک بدون ازدواج قانونی، بین زن های ۲۰ تا ۲۴ ساله در کشورهای شمالی بیشتر از تعداد ازدواج های قانونی است. در کشورهای اسکانديناوی، اکثریت زندگی های مشترک به ازدواج ختم می شود، به طوری که طبق آمار ۸۰ درصد ازدواج ها در این منطقه، بر مبنای سابقه زندگی مشترک و آزاد زن و مرد بوده است. در اینجا ازدواج قانونی معمولاً بعد از بچه دار شدن به وقوع می پیوندد و به معنی اعلام رسمی زندگی مشترک به دیگران است.

در پرتغال (جنوب اروپا) از هر ۱۰۰ زن، ۸۴ نفر ازدواج می کنند، این نسبت در فرانسه و کشورهای اسکانديناوی ۵۰ درصد است.

باروری: در سال ۱۹۶۰، نرخ باروری یک زن، ۴ فرزند در برلند و کمتر از دو فرزند در سوئد و دانمارک بود. اما بتدریج، نرخ باروری کشورهای اروپا به هم نزدیک تر شده است. به طوری که معدل باروری زن در اروپای امروز، بین ۱/۲۳ تا ۲/۱۱ فرزند برای هر زن است. این نسبت در سال ۱۹۷۴، بین ۱/۹۴ تا ۲/۸۷ بوده است. بخاطر داشته باشیم که برای تجدید نسل، نرخ باروری برای هر زن ۲/۱ فرزند است.

نمودار زیر بیانگر تحول باروری در کشورهای مختلف اروپاست.



نوشته دکتر جمشید اسدی - پاریس

کارآترین شیوه های پژوهشی در مورد زندگی اجتماعی است.

نظر به اهمیتی که اروپاییان برای ارزش ها قائلند، ما به ترتیب خانواده، کار، سیاست و مذهب را مورد مطالعه قرار می دهیم.

نکته دیگر این که، بررسی ما عمدتاً مردم اروپای غربی را مورد نظر قرار داده است. کتابنامه ای هم در آخر مقاله منابع مختلف بررسی ارزش ها را به خواننده معرفی می کند.

●●●

اروپاییان و خانواده

می توان گفت که تقریباً در همه کشورهای اروپایی، آداب نوینی بر زندگی مرد و زن مستقر شده و یا در حال استقرار است و در این ارتباط هر چه شخص جوان تر باشد، با آزادی ها و آداب نوین روابط زن و مرد موافق تر است.

در میان تمامی ارزش های اجتماعی، خانواده مهم ترین ارزش برای مردم اروپاست. در زیر سه پایه مهم خانواده، یعنی ازدواج، باروری و طلاق را مورد بررسی قرار می دهیم.

ازدواج و خانواده: در اروپای امروز مردم دیرتر از گذشته ازدواج می کنند و ازدواجشان عمدتاً بر پایه عشق و عاشقی است. فرزندان عیالوار افراد مسن هر روز کمتر از روز پیش حاضر به نگهداری از آنها می شوند و خانواده ها دیگر پر جمعیت نیستند. زنان بیشتری وارد دنیای کار می شوند و کنترل باروری همه گیر شده است.

هدف این تحلیل، بررسی و تشریح ارزش های نسوین اروپاییان است. ارزش (VALEUR) در زمینه علوم اجتماعی به معنی نمادی است که سازمان ده، تعیین کننده و پیش درآمد رفتار و پندار مردم در اجتماع است. ارزش برخلاف طرز تلقی یا رویه (ATTITUDE) نه ریشه فردی که ریشه اجتماعی دارد.

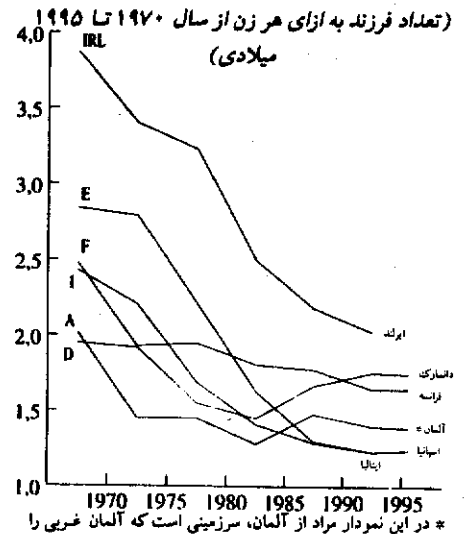
مهمترین انگیزه ما در این نگارش، دقیقاً معرفی همین مبانی و اصول رفتاری و پنداری اروپاییان است. بدون شک این شناخت، برای تعیین رابطه درست با یکی از مهم ترین مناطق جهان، مفید فایده ایران امروز است.

اما شناخت و شناساندن این ارزش ها، آسان و خالی از اشکال نیست. چرا که رویدادهایی چون فروپاشی نظام دو قطبی، پایان یافتن جنگ سرد، بیکاری زیاد نیروی فعال و بازانندیشی در مورد برخی از نهاد های جامعه صنعتی چون رشد (حتی به قیمت آلودگی محیط زیست)، انباشت ثروت ملی (حتی به قیمت جدایی بعضی از شهروندان از این روند)، ارزیابی سنت های ملی در تقابل با آداب مهاجرین و مردم دیگر ملل... زندگی شهروندان اروپا را با دگرگونی های بسیاری مواجه ساخته است.

بر اثر همین دگرگونی ها، ارزش ها یا زیربنای رفتاری و پنداری مردم نیز تغییر می کند. از این رو به نظر بسیاری از کارشناسان، بررسی این ارزش ها، از

تحول باروری در چند کشور اروپایی

(تعداد فرزندان به ازای هر زن از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۵ میلادی)



* در این نمودار مراد از آلمان، سرزمینی است که آلمان غربی را شامل می‌شود.

بسیاری از سوی دیگر، بدون شک بر اهمیتی که اروپاییان بدان می‌دهند تأثیرگذار است. اما کار شاهد یک تغییر کیفی در زندگی اروپاییان نیز بوده است و آن شکل‌گیری ارزش اجتماعی نوین آن است.

در حقیقت برای اروپاییان، اکنون کار، نوعی از خود بیگانگی (ALIENATION) و یا یک مبادله تجاری ساده نیست. ارزش کار در اروپای امروز به علت آن است که همچون امکان متبلور شدن فردیت فرد و مشارکت اجتماعی او قلمداد می‌شود. البته هنوز کسانی هستند که کار را یک «اجبار» و «ضرورت» می‌دانند (و در این میان تعداد کارگران متخصص و غیرمتخصص بیش از دیگر حرف است) اما ارزش غالب کار در نزد اروپاییان، همان است که شرحش رفت.

این ارزش را بسیاری از کارشناسان به عنوان تبلوری از فردگرایی (INDIVIDUALISME) نوین اروپایی قلمداد می‌کنند. کار به عنوان تبلور شخصیت فرد و شوکت او در اجتماع.

ارزش‌ها، پذیرش و احترام به آزادی فرد در چگونگی تعیین رابطه با جنس مخالف است. حتی آن مناطقی که هنوز صددرصد از الگوهای سنتی در این مورد دست برنداشته‌اند، به علت پذیرش اصل آزادی در گزینش رابطه، بتدریج به شکل نوین رابطه زن و مرد روی می‌آورند.

(ماهنامه: در مورد نهاد خانواده گزارشی را از یک نشریه خارجی ترجمه کرده‌ایم که زیر عنوان «مرگ نهاد خانواده در جوامع صنعتی» در همین صفحه ۶۱ شماره چاپ شده است).

اروپاییان و ارزش کار

در پی دگرگونی‌های عمده‌ای چون بیکاری وسیع نیروی فعال، آینده مهم شغل (حتی در صورت اشتغال) و تغییر دائمی مبانی تخصصی و شغلی در طول زندگی حرفه‌ای یک فرد، بررسی ارزش کار، به عنوان مهم‌ترین ممر درآمد و امرار معاش، اهمیت بسزایی در درک

جدول الف: ویژگی‌های کار خوب

(اهمیت ویژگی‌ها از ۱ تا ۱۵ بر حسب کشورهای گوناگون)

کشور	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
آلمان غربی	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۵	۱۴	۱۳
فرانسه	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲
ایتالی	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱
اسپان	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰
ایرلند	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹
آلمان شرقی	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸
سوئد	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷
دانمارک	۵	۴	۳	۲	۱	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶
دانمارک	۴	۳	۲	۱	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵
دانمارک	۳	۲	۱	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴
دانمارک	۲	۱	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳
دانمارک	۱	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲

طلاق: درصد طلاق در کشورهای مختلف اروپا بسیار متفاوت است. مثلاً به علت ممنوعیت قانونی، طلاق در ایرلند وجود ندارد و در ایتالیا نیز حتی پس از قانونی شدن طلاق، درصد طلاق چندان افزایش نیافت. در حالی که این نسبت در سوئد ۵۰ درصد است، یعنی از هر دو ازدواج، یکی به طلاق می‌انجامد. قبل از پایان بردن مقوله خانواده در اروپا، اشاره به پیدایی دو گروه در حاشیه گروه‌های اجتماعی دیگر، لازم است. یکی از این دو گروه مستمندانی هستند که در اثر بحران، در حاشیه اجتماع زندگی می‌کنند و دیگر امید به داشتن یک زندگی طبیعی و مرفه ندارند. زندگی خانوادگی ایشان پیرو هیچ الگو، نظام و یا اصل اخلاقی نیست. در مقابل، گروه دیگری وجود دارد که در برابر مشکلات بحران، شدیداً به ایقاع سنتی‌ترین اصول خانوادگی روی آورده‌اند. به نظر ایشان، علت بحران،

سهل‌انگاری در اصول است و از آنجا که خانواده پایه نجات جامعه قلمداد می‌شود، رعایت اصول، و حتی گاهی بازگشت به خشونت برای پاسداری از اصول، ضروری تشخیص داده می‌شود.

در خاتمه این بحث باید گفت که با وجود مشاهده برخی از تفاوت‌ها در رفتار، شباهت‌های بسیار بیشتری در زمینه افکار و پذیرش ارزش‌ها میان اروپاییان، حتی در شمال و جنوب قاره، موجود است. روند اصلی این

این حقیقت که با وجود ارزش و گرمی‌داشت کار، اروپاییان مایل نیستند که زندگی خصوصی آنها فدای کارشان شود نیز بیانگر همان فردگرایی نوین ایشان است. در زمینه عمومی کار و حرفه، این فردگرایی به سه شکل دیگر نیز متجلی می‌شود:

ویژگی‌های یک کار خوب: از هر ده نفر اروپایی، ۶ تا ۷ نفر، برای یک کار خوب عمدتاً سه ویژگی بر می‌شمرند: حقوق مکفی، محیط مناسب و کار جالب.

زندگی و رفتار اروپاییان دارد.

ارزش کار در نزد اروپاییان بسیار بالاست و بلافاصله پس از خانواده قرار می‌گیرد. جالب اینجاست که برخلاف گذشته، کار حتی برای جوانان که پیش از این به ارزش‌های دیگری دلبستگی داشتند، ارزشمند و مهم است.

کار به عنوان مهم‌ترین وسیله امرار معاش از یک سو، و نامطمئن و شکننده بودن آن در شرایط بحران

اجتماعی

این سه ویژگی کما بیش همسنگ هستند. باز هم ملاحظه می‌شود که روابط انسانی فرد به همان اندازه پول و حقوق برای اروپاییان ارزشمند است. اصولاً بسیاری از مطالعات و پژوهش‌ها نشان می‌دهد که علت اصلی رضایت از کار برای اروپاییان، حقوق و یا حتی سازمان کار نیست، بلکه بیشتر شکل کار و امکان بالندگی فرد در کار است.

جدول الف بیانگر تمامی ارزش‌هایی است که اروپاییان برای کار قائلند. این جدول امکان می‌دهد که ارزش‌های مهم از دیدگاه آحاد یک کشور سنجیده شوند و در عین حال ارزش‌های مهم در کار، در کشورهای مختلف مقایسه شوند.

سلسله مراتب در کار: حتی در سلسله مراتب کاری هم، اروپاییان به آزادی فردی پای بندند. چه از هر سه

نگاه می‌کنند و دیگر چون گذشته پذیرای ایدئولوژی‌های از پیش ساخته و قالب‌های تنگ حزبی نیستند. شهروندان اروپا، ازین پس برآند که خود برای خود بیندیشند و خود مختار عمل کنند. در زیر رفتار سیاسی جدید اروپاییان را در پرتو عوامل گوناگون مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

سطح سواد: تقریباً تمامی مطالعات اجتماعی نشان‌دهنده این است که سطح سواد در روند سیاسی شدن شهروند تأثیر بسزا دارد و از آنجا که سطح سواد به طور مرتب در اروپا گسترش می‌یابد و بالا می‌رود، می‌توان نتیجه گرفت که اروپاییان بیش از پیش سیاسی شده‌اند.

سن: سواد تنها عامل سیاسی شدن نیست و سن نیز در این ارتباط تأثیرگذار است، به طوری که بعد از گروه سنی ۱۸ تا ۲۹ سال، گرایش مردم به سیاست بیشتر

مردم اروپا بر خلاف گذشته پذیرای ایدئولوژی‌های از پیش ساخته نیستند، اما سیاسی‌تر شده‌اند

می‌شود. البته این را نباید به حساب سلیقه نسل‌ها گذاشت. بلکه دلیل اصلی آن، روند اجتماعی شدن جوانان و شرکت آنها در جامعه است.

دوآمد: عامل دیگر سیاسی شدن، سطح درآمد است. هر چه درآمد شهروند اروپایی بیشتر باشد، درجه سیاسی بودن او هم بیشتر است. دلیل این امر، همچون شرح پیشین است. صاحبان درآمدهای بالاتر امکان مشارکت بیشتری در زندگی اجتماعی دارند، تا صاحبان درآمدهای پایین‌تر که اغلب گرفتار زندگی حاشیه‌ای در جامعه هستند.

مذهب: نکته دیگری که بر زندگی سیاسی اروپا تأثیر غیرمستقیم دارد، مسئله مذهب است. در حقیقت در کشورهای شمالی اروپا که مردم مذهب پروتستان دارند (کشورهای اسکاندیناوی، آلمان، هلند...) مردم سیاسی‌تر از جنوب اروپا هستند که مذهب مردمان کاتولیک است. (فرانسه، یونان، اسپانیا...) با وجود این، در کشورهای پروتستان، اقلیت‌های کاتولیک رفتاری مشابه پروتستان‌ها دارند.

جنسیت: از میان رفتن رفتار سیاسی مردانه یا زنانه از دیگر نکات جالب زندگی سیاسی در اروپاست. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که جنسیت به هیچ عنوان تعیین‌کننده رأی فرد رأی‌دهنده به این یا آن حزب سیاسی (مثلاً به چپ یا راست) نیست. با وجود این، خواست‌ها و رفتار سیاسی زنان مسالمت‌آمیزتر از مردان است.

مشارکت: شکل مشارکت اروپاییان در انجمن‌ها و

اتحادیه‌ها نیز متحول شده است. مثلاً در کشورهای اروپایی عضویت در سندیکا کاهش محسوس نشان می‌دهد، هر چند که عضویت در کشورهای پروتستان کماکان بالاتر از کشورهای کاتولیک است.

نکته قابل توجه اینکه، نرخ بالای بیکاری در اروپا، باعث گرایش کارگران به سندیکاها نشده است. برعکس، در زمان تورم و افزایش قیمت‌ها (مثلاً در سالهای ۷۰ میلادی)، اقبال کارگران به سندیکا بسیار بالاتر بود. توضیح اینکه برای مبارزه با تورم و حفظ سطح درآمد، کارگران به مبارزه جمعی و فشار بر دولت باور داشتند. اما برای مقابله با بیکاری کنونی، دیگر کسی به حمایت و کاروانی دولت اعتقاد و اعتماد چندانی ندارد و در نتیجه به سندیکا و مبارزه قانونی جمعی متوسل نمی‌شود.

شرکت مردم در انجمن‌های مذهبی، کاهش محسوس، و در انجمن‌های خیریه و جوانان ثابت داشته است. هر چند که ارتش هنوز محبوبیت خود را به عنوان نهاد دفاع از وطن حفظ کرده است، اما اعتقاد مردم به این نهاد بسیار کمتر از گذشته است؛ چرا که تصویر جنگ جو و رزمنده آن دیگر موردپسند شهروند اروپایی امروز نیست. برعکس، اعتقاد مردم به پلیس و نیروهای انتظامی بسیار بیشتر شده است و این امر بدیهی است، چرا که علاقه مردم به مشارکت سیاسی مستقیم، مستلزم نظم و امنیت است که توسط پلیس تأمین می‌شود.

شکل جدید کار سیاسی اروپاییان: پیش از این گفتیم که مردم اروپا سیاسی‌تر از گذشته‌اند، در اینجا لازم است که شکل جدید مشارکت سیاسی ایشان را شرح دهیم.

مهمترین نکته در مورد شکل جدید سیاسی اروپاییان، علاقه ایشان به شرکت مستقیم در سیاست است، اما این بار نه به توسط احزاب و ایدئولوژی‌های از پیش ساخته، بلکه به طور مستقیم و فردی. در نتیجه بجای توسل به سیاستمداران، نمایندگان و احزاب، اروپاییان ترجیح می‌دهند از طریق تهیه دادخواست، تظاهرات، صحن‌نشینی (تحصن) و... مستقیماً در صحنه سیاسی شرکت کنند. هم ایشان، مشارکت مستقیم مسالمت‌آمیز (تظاهرات قانونی...) را بر خشونت و سرسختی (تحریم، اشغال اماکن و...) ترجیح می‌دهند. جدول ب

بر پایه همین منطق انتخاب و ترجیحات فردی، شرکت اروپاییان در فعالیت‌های سازمانی، بیشتر برای مسائل مشخص و شخصی است تا برای پیروزی فلان ایدئولوژی سیاسی.

در مورد چپ و راست هم باید گفت که اروپایی راست‌گرای امروز، اعتقاد مذهبی مشخصی دارد، به

جدول ب: درصد فعالیت سیاسی مستقیم اروپائیان در عملیات اعتراض (۱۹۸۱ و ۱۹۹۰ میلادی)

جمع	آلمان		هلند		دانمارک		انگلستان		فرانسه		ایرلند		ایتالیا		بلژیک		پرتغال		اسپانیا			
	۱۹۸۱	۱۹۹۰	۱۹۸۱	۱۹۹۰	۱۹۸۱	۱۹۹۰	۱۹۸۱	۱۹۹۰	۱۹۸۱	۱۹۹۰	۱۹۸۱	۱۹۹۰	۱۹۸۱	۱۹۹۰	۱۹۸۱	۱۹۹۰	۱۹۸۱	۱۹۹۰	۱۹۸۱	۱۹۹۰		
امضای یک دادخواستی	۴۲	۵۰	۵۵	۴۳	۳۳	۴۹	۳۱	۵۰	۶۲	۷۵	۲۳	۵۴	۲۷	۳۱	۳۶	۴۲	۲۲	۳۷	-	۲۷	۲۰	۱۸
شرکت در یک تحریم	۷	۱۰	۶	۹	۶	۸	۷	۱۰	۶	۱۳	۱۰	۱۳	۶	۷	۵	۹	۳	۹	-	۴	۴	۸
شرکت در تظاهرات	۱۷	۲۳	۱۲	۱۹	۱۲	۲۵	۱۶	۲۷	۹	۱۳	۲۵	۳۳	۱۳	۱۶	۲۲	۳۲	۱۳	۲۳	-	۲۳	۲۱	۱۹
شرکت در یک اعتصاب سخن	۵	۶	۲	۲	۳	۸	۱۷	۸	۸	۱۰	۱۰	۵	۴	۲	۵	۳	۷	-	۳	۶	۵	
اشغال سخن اماکن	۳	۴	۱	۱	۲	۳	۲	۲	۲	۷	۸	۲	۲	۴	۶	۲	۳	-	۱	۳	۲	
شرکت مستقیم در حداقل در عمل اعتراضی	۱۶	۲۳	۱۲	۲۰	۱۱	۲۴	۱۶	۲۸	۱۶	۲۳	۲۴	۳۲	۱۳	۱۷	۱۷	۲۷	۱۱	۲۳	-	۱۴	۱۵	۱۲

اظهارنظرهایی چون «فقط یک مذهب حقیقی وجود ندارد» و «نشانه‌های حقیقت در تمام مذاهب مختلف دنیا پخش است» قرار دارد.

کوتاه سخن اینکه تنها ۱۹ درصد اروپائیان معتقدند که مذهب در زندگی بسیار اهمیت دارد، برای ایشان ارزش‌هایی چون خانواده (۸۱ درصد)، کار (۵۳ درصد)، دوستان و آشنایان (۴۳ درصد) و تفریحات (۲۸ درصد) پراهمیت‌ترند.

برای بررسی سنجیده‌تر نقش مذهب در جنبه‌های مختلف زندگی اروپائیان، باید یادآور شد که اروپائیان، با توجه به دیدگاهشان به مذهب به سه دسته بزرگ تقسیم می‌شوند:

۱- مسیحیت اعتقادی (Christianisme Confessant) که شامل آنهایی است که به طور روشن به مذهب مسیحیت و اصول آن معتقدند و آداب و اعمال آن را به جا می‌آورند. پیروان این دسته، به یک تعلق ظاهری به مسیحیت اکتفا نمی‌کنند و کلیه معیارها را به مثابه تعلق به آمت مسیحی می‌پذیرند و زندگی روزمره خود را بر مبنای آن سامان می‌دهند.

این نوع مسیحیت در ایرلند، ایتالیا و پرتغال غالب است. در اتریش، سوئیس، اسپانیا، لوکزامبورگ، آلمان مسیحیت اعتقادی با مسیحیت هویتی تقریباً همسنگ است.

۲- مسیحیت هویتی (Christianisme Identitaire) در برگیرنده کلیه کسانی است که معتقد تام نیستند، اما بعضی از آداب و رسوم مذهبی را همچون ویژگی فرهنگی به جای می‌آورند. اینها بی‌اعتقاد نیستند، اما تعلق هم به کلیسا ندارند. اما با وجود استقلال رأی در برابر کلیسا، مسیحیان هویتی، برخی از مراسم چون غسل تعمید، تشریف، ازدواج و به ویژه سوگواری را به شیوه مذهبی برگزار می‌کنند. اعتقاد ایشان به خدا بیشتر بر مبنای برداشت شخصی، و حول تصاویری چون حامی دردمندان و حی و حاضر به هنگام نیاز دردمندان شکل می‌گیرد. خدای ایشان چندان بر مبنای الگوی آموزه‌های مذهبی استوار نیست.

۳- انسان دوستی شیوهمذهبی (Humanisme Seculier) که چنانکه از نامش پیداست شامل افرادی است که ارزشهایشان الزاماً متأثر از مذهب نیست.

نقش مذهب در خانواده: برای موفقیت ازدواج، تنها ۲۰ درصد اروپائیان نقش مذهب را مهم می‌دانند، در حالی که در همین مورد، نقش احترام متقابل (۸۱ درصد)، وفاداری (۸۱ درصد)، درک و گذشت (۷۹ درصد) و تفاهم جنسی (۶۳ درصد) مهم‌تر قلمداد می‌شود.

در مورد تربیت کودکان نیز، تنها در حدود یک

شامل نمی‌شود. مثلاً میلیونها مسلمان (چه اروپائی و چه غیراروپائی) در این قاره زندگی می‌کنند که عمیقاً به مبانی دینی خود معتقدند و به تعالیم آن عمل می‌کنند. مسلمانان بوسنی و جوامع مسلمان در کشورهای چون فرانسه و انگلیس و آلمان شواهدی هستند بر این مذهب] به هر حال آنچه که به کمک آمار مشخص می‌شود، این است که بیشترین تعداد اروپائیان بی‌مذهب ۱۸ تا ۲۰ ساله هستند معتقدترین ایشان ۶۵ ساله و بیشتر. لازم به یادآوری است که سالمندان ۶۵ سال به بالا، عمدتاً زن هستند.

هرچند که روند عقب‌نشینی مذهب در اروپا همه گیر و همه جانبه است، معدها، با توجه به این با آن گروه باید گفت که روند مذکور نسبی است. مثلاً زنان بیشتر از مردان، کشاورزان پیش از صاحبان دیگر حرف و کاتولیک‌ها پیش از پروتستان‌ها مذهبی‌اند. به علاوه کاتولیک‌های ایرلند از کاتولیک‌های فرانسه و بلژیک و هلند و انگلستان معتقدترند، همچنانکه پروتستانهای آلمان معتقدتر از پروتستان‌های کشورهای اسکاتلندی هستند. در کشورهایی که دارای تسکینی از سکنه کاتولیک و پروتستان هستند، گرایشات مذهبی مردم تقریباً یکسان است.

باید توجه داشت که عقب‌نشینی مذهب در اروپا به معنی دشمنی با مذهب نیست. کما اینکه در نزد جوانان کمتر از ۳۵ سال، هرچند که روند مذهب‌زدایی غالب است، اما اعتقاد آزادانه‌تری به ماورالطبیعه و زندگی پس از مرگ و بازگشت روح به تن در حال رشد است.

همانگونه که گفتیم عقب‌نشینی مذهب به معنی دشمنی با مذهب نیست، بلکه روندی است موازی و همراه با روند نسبی و شک‌گرایی و دوری از جزمیت و حنیت که هر چه بیشتر در اروپا غالب می‌شود. به همین سبب، در اکثر پژوهش‌ها، پاسخ اروپائیان از «بله، بطور حتم و یقین» و یا «نه، به هیچ وجه» به پاسخ‌هایی چون «بله، شاید» و «شاید، نه» گرایش دارد. روند فلسفی اروپائیان هرچه بیشتر به سمت احتمالات و نسبت‌هاست. حتی در مورد مذهب نیز، باور غالب حول

اصول اخلاقی خاصی معتقد است و پایبند به ارزش‌های خانواده است. ویژگی چپ‌گرایان، بیشتر نوعی اومانیسیم و ایده‌آلیسم در دموکراسی است. برای راست‌گرا عمدتاً نظم، امنیت و برنامه‌های بهداشتی در سیاست و خصوصی‌گردانی شرکتها و ابتکار فردی در اقتصاد ارجحیت دارد. این ویژگی‌ها در چپ‌گرایان، به وضوح درصد کمتری دارد. با وجود این باید گفت که مرز میان چپ و راست دیگر همچون گذشته نیست، هر چند که هنوز از هر پنج نفر اروپایی، چهار نفر خود را متمایل به چپ یا راست معرفی می‌کنند.

در اروپای امروز، در چارچوب بسیار کلی راست و چپ، شهروند اروپایی به سبب خود عقیده سیاسی خود را سامان می‌دهد و ای بسا چپ‌چی که طرفدار خصوصی کردن شرکتها باشد و یا راست‌گرایی که عقیده‌ای بر خلاف باورهای سنتی جناح راست داشته باشد.

کوتاه سخن این که در صحنه سیاسی، اروپائیان از زندگی سیاسی و اجتماعی خسته نشده و به طور کامل به زندگی خصوصی و فردی پناه نیاورده‌اند. بلکه به دلیل تحولات ناشی از فردگرایی، تعریف خاصی از زندگی اجتماعی و سیاسی دارند که بر حسب آن تا سر حد امکان به ارزیابی و بررسی فردی خود متوسل می‌شوند: نوعی فردگرایی فعال، متفکر و مسئول.

اروپائیان و مذهب

بارزترین نکته در مورد مذهب اروپائیان این است که مذهب میان سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ میلادی به طور روشنی کم رنگ شده است. این عقب‌نشینی در نزد جوانان مشهودتر است.

آیا این روند بدین معنی است که اروپائیان در جوانی بی‌اعتقاد و بعد هم‌زمان با بالا رفتن سن و کسب تجربه و نزدیکی به مرگ، مذهبی می‌شوند؟ یا اینکه در اروپا، مردم از یک نسل به نسل بعد، مذهب را بیشتر کنار می‌گذارند؟ و یا شاید نیز ترکیبی از هر دو فرضیه؟

[در اینجا لازم است تذکر دهیم این بررسی به وضع اروپائیان مسیحی توجه دارد و پیروان ادیان دیگر را

analyse et prospective
REVUE MENSUELLE
55, rue de Varenne
75341 Paris Cedex 07 - France
Tel: (33 1) 42 22 63 10
Fax: (33 1) 42 22 65 54
Minitel: 3615 SJ* FUTURIBLES

- انجمن برای پژوهش در مورد نظام‌های ارزشی، انجمنی که در سال ۱۹۹۲ در فرانسه تأسیس شده است و در همین زمینه به تهیه شماره مخصوص نشریه Futuribles کمک رسانید: نشانی

ARVAL (Association pour la Recherche sur les systèmes de Valeurs)

ARVAL, c/o Jean- Francois Tchemia, 250 boulevard Voltaire, 75011 Paris, France.

- در سال ۱۹۷۴، کمیسیون اروپا به منظور تسهیل ادغام کشورهای اروپایی، اقدام به تأسیس مؤسسه‌ای کرد که از آن سال تا کنون نظرات، عقاید، طرز تفکر و ارزش‌های مطرح اروپاییان در زمینه‌های خانواده، سیاست، مذهب، حفاظت محیط زیست، فقر، جوانان، علم و تکنولوژی... را مورد بررسی قرار می‌دهد. نام این مؤسسه اروپا، مرکز است و هر سال ۱۰۰۰ نفر در هر کشور عضو را مورد پژوهش قرار می‌دهد (در جمیع ۱۵۰۰۰ نفر). آدرس:

L'Eurobaromètre Commission
des Communautés européennes, DG X,
Service Sondages, Recherches, Analyses,
200 rue de la Loi, B 1049 Bruxelles.



تمامی ارزش‌هایی است که شرح دادیم: فردگرایی. اما این فردگرایی دیگر یک فردگرایی مغرورانه و خود محور Indiuoualisme Particulariste نیست. ویژگی فردگرایی نوین اروپای غربی که سامان‌دهنده کلیه ارزش‌های نوین ایشان است، همانا فردگرایی عمومی Indiuoualisme Universaliste که فردیت و ارزش‌های دیگران را نیز محترم داند و گرامی می‌شمارد.

درک این موضوع برای ایران امروز شایان کمال اهمیت است، چرا که درهای صلح و آشتی و گفتگو با یکی از مهم‌ترین مناطق جهان را می‌گشاید. برای اروپایی امروز چندان مشکل نیست که ارزش‌های دیگران و فرهنگ‌های گوناگون را بپذیرد و در کنار آن زندگی کند. در سفری که تابستان گذشته به ایران داشتیم، شاهد بودم که بارها هموطنانی (و در میان ایشان مسئولانی) با تعجب و ای بسا با گلّه-سوال می‌کردند که چرا اروپا با عربستان سعودی که در بسیاری موارد خشک‌تر و سرسخت‌تر برخی از احکام و مجازات‌های اسلامی را اجرا می‌کند، دشمنی ندارد و تنها با جمهوری اسلامی عداوت می‌ورزد و سرسختی می‌کند.

هرچند که در این مورد مسائل سیاسی را نباید فراموش کرد، اما یکی از مهمترین دلایل آن بی‌شک این است که به اروپاییان چنین باورانه شده که عربستان سعودی قصد صادر کردن ارزش‌های خود را ندارد.

به نظر نگارنده، پیش از آنکه تصویر جمهوری اسلامی ایران در نزد مردم اروپا به مثابه تصویری ستیزه‌جو، سرسخت و منفی حکم شده، باید از فرصت استفاده کرد و به طور علمی با مسردم، رسانه‌ها، گروه‌ها و برگزارندگان اروپا ارتباط درست برقرار کرد.

کتابخانه

- مهم‌ترین منابع مورد استفاده ما در تهیه این گزارش شماره مخصوص (شماره ۲۰۰) نشریه Futuribles، در مورد ارزش‌های نوین اروپا بود. این نشریه تنها نشریه جدی و علمی به زبان فرانسه است که در هر ماه در مورد آنچه که ممکن است به وقوع بپیوندد (آینده ممکن) و آنچه که می‌تواند در مورد آن انجام داده منتشر می‌شود. نشانی

Futuribles

پنجم اروپاییان نقش مذهب را مهم می‌دانند (دقیقاً ۲۱ درصد). اما ۷۶ درصد، درک و گذشت، ۷۴ درصد قبول مسئولیت و ۷۳ درصد رفتار درست را مهم می‌دانند.

تفاوت میان پروتستان‌ها و کاتولیک‌ها: در بررسی ارزش مذهب اروپاییان، مطالعه تفاوت پروتستان‌ها و کاتولیک‌ها ضروری است.

کاتولیک‌ها بیشتر از پروتستان‌ها اعمال مذهبی را را به جای آوردن و دعا می‌کنند، اما به اندازه پروتستان‌ها به کلیسا نمی‌روند و در فعالیت‌های کلیسایی شرکت نمی‌کنند. با وجود این، از آنجا که شمار متصدیان مذهبی کلیساها رو به کاهش است، بسیاری از حرفی‌های کاتولیک، برخی از مسئولیت‌های کلیسا را عهده‌دار می‌شوند.

در مورد خانواده، کاتولیک‌ها بیش از پروتستان‌ها به کودکان و اطاعت از بزرگترها اهمیت می‌دهند و به طور قطعی تری مخالف سقط جنین هستند، اما در مورد روابط با جنس مخالف و وفاداری در زناشویی حساسیت کمتری دارند.

و سرانجام اینکه کاتولیک‌ها کمتر از پروتستان‌ها به سیاست علاقه نشان می‌دهند و به طور روشنی میان آزادی و برابری، آزادی را بر می‌گزینند. هم ایشان برای اشتغال، اولویت را به هموطنان خویش می‌دهند، وطن دوست‌ترند، اما برای دفاع از میهن، مثلاً در صورت بروز خطر، حساسیت کمتری از خود نشان می‌دهند.

سرانجام مذهب در اروپا چیست؟

آیا مسیحیت به عنوان یک مذهب دچار بحرانی بزرگ می‌شود و بناچار خود را با ویژگی‌های جدید جامعه وفق می‌دهد و یا آرام آرام از جامعه اروپا خارج می‌شود؟

پاسخ بدین سوال مستلزم بررسی دیگر و وقت دیگری است، اما آنچه را که می‌توان از پیش حدس زد این است که مذهب، ناشی از روند فردگرایی در غرب، هرچه بیشتر به یک مسئله شخصی تبدیل می‌شود و دیگر کمتر نهادی مذهبی قادر خواهد بود که تعیین‌کننده رابطه فرد با معتقدات ماورالطبیعه و خدا باشد. این روند با فلسفه غالب شهروند عادی اروپا، یعنی شک و عدم حقیقت، هماهنگ است. از دیدگاه ایشان، از آن جا که مطلق را نمی‌توان شناخت، بناچار هرکس به گمان خود برداشتی از خدای دارد و به همین سبب برداشت‌ها همگی در برگیرنده بخشی از حقیقت مطلق و فاقد بخشی دیگر از آنند، اعتقاد بدین امر، به معنی پذیرش باور دیگران و همزیستی با آنهاست.

جمع‌بندی کلی این مقاله، مخرج مشترک عمومی

هل جزاء الاحسان الا احسان

«آیا پاداش نیکوئی و احسان، جز نیکوئی و احسان است؟»

چهارگان آگهی‌ها و مؤسسات خبری

در شرایط اقتصادی کنونی عده‌ای از انسان‌های نیکوکار با تشکیل انجمن‌های خیریه، فارغ از ظاهر و خودنمایی، در حد توان خود به نیازمندان کمک و یاری می‌رسانند. از سوی دیگر، کسانی هستند که مایلند در حد بضاعت و توان مادی و معنوی خویش یاری از دوش همسرانشان بردارند و هرمن بر دل ریش برشان جاری بگذرانند. ماهنامه **کوشش** با هدف برقراری ارتباط بین آن مؤسسات و این افراد تصمیم گرفته است. صفحه‌ای را به درج آگهی‌های رایگان معرفی این مؤسسات اختصاص دهد. این آگهی‌ها ضمناً می‌تواند یک بیمار سرطانی، قلبی، کلیوی یا تالاسمی و... را رهنمون شود تا بلدانند برای یاری خواستن به کجا مراجعه کنند.

آگهی‌های آن دسته از مؤسسات خیریه در این صفحه چاپ خواهد شد که گردانندگان آن نسخه‌ای از ماهنامه، فتوکپی ثبت مؤسسه، بیوگرافی و نشانی دقیق و شماره تلفن گردانندگان آن، نوع فعالیت، نوع کمک درخواستی (مالی یا مساعدتی که می‌تواند شامل استفاده رایگان از ساعتی از وقت یک پزشک، مددکار، اترود انسان دوست و... باشد) را برای ماهنامه ارسال کنند.

ماهنامه پس از تحقیق و حصول اطمینان از ماهیت غیرخواهانه و شرعیتانته فعالیت‌های هر مؤسسه خیریه، آگهی آن را در حد یک کادر حداکثر ده سطری چاپ خواهد کرد.

مؤسساتی که مایل به استفاده از این سرویس رایگان هستند می‌توانند درخواست‌های خود را به صندوق پستی ۵۶۶۷ ۱۱۴۱۵۵ ارسال کنند.